

عنوان مقاله:

پارادایم های معاصر هستی شناسی فضا و نسبت آن با شناخت شناسی معماری

محل انتشار:

فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، دوره 20، شماره 81 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

سید محمد بهروز - عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان- دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

اسماعیل ضرغامی - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

جلال الدین مهدی نژاد - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

خلاصه مقاله:

هستی شناسی، شناخت شناسی و روش شناسی در هم تنیده اند و پرداختن به هر یک، به معنای مفروض داشتن پاسخ به دو دیگری از پیش است؛ از این سه، هستی شناسی در مرتبه نخست واقع می شود که مبنای دو پرسش بعدی واقع می شود. در این مقاله به هستی شناسی های فضا پرداخته می شود که سه انگاشت مطلق، نسبی و رابطه ای را در بر می گیرد. بحث خواهد شد که انگاشت های مطلق و نسبی فضا در محدوده علوم اثباتی باقی می مانند و بر مبنای جدایی فضا از زمینه اجتماعی استوارند. در شناخت شناسی، این دو یا فضا را ابزاری برای اصلاحات اجتماعی می بینند یا عکس آن را اثر پذیر و گیرنده اثر و معنا از سازوکارهای اجتماعی فرض می کنند. روی آوردن به انگاشت سوم یا فضای رابطه ای اما بر تولید هم زمان فضا و جامعه تاکید می کند که گویی صحنه ای است برای نمایش جامعه؛ با هر ترتیب فضایی نمی تواند پذیرای نمایش باشد و هر نمایشی هم در آن مقدور نیست. این انگاشت اخیر شناخت شناسی فضا را به سوی مطالعات بین- و ترا- رشته ای هدایت می کند که نظریه معماری در دهه اخیر به سوی آن خیز برداشته است

کلمات کلیدی:

هستی شناسی، شناخت شناسی، روش شناسی، فضا، نظریه معماری و علوم اجتماعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1298807>

